

متون دینی هندو

علی موحدیان عطار

در مطالعه یک دین همان گونه که نمی توان فقط بر پایه بررسی و تحلیل متون مقدس دین به شناخت کاملی از آن رسید، بدون مطالعه متون نیز نمی توان ادعا کرد که دینی را شناخته ایم. متون مقدس، اصلی و حتی کلاسیک^۱ هر دین از مهم ترین منابع مطالعه آن دین است. آموزه های اساسی هر دین در متون آن طرح می شود و از طرفی، این برداشت ها و تفسیرهای مختلف از متن مقدس است که در پیدایی فرقه ها و مذاهب یک دین، به همراه پاره ای عوامل دیگر، نقش ایفا می کند. حتی، در بسیاری موارد، مبدأ الهام آیین های مردمی و جشن ها و مراسم مختلف مذهبی، همانا داستان ها، اسطوره ها، وقایع و حقایق مطرح در متون مقدس و اصلی دین است. در برخی ادیان، همچون دین هندویی، مراحل و دوره های تطور و تحول تاریخی دین به موازات مراحل پیدایش و تحول در متون مقدس و اصلی آن دین سیر می کند، و از این رو درک تاریخی از آن دین بدون آشنایی کافی با متون آن میسر نیست.

بر پایه یک پیشنهاد منطقی در مطالعه ادیان، پس از مرحله آشنایی اجمالی با تاریخ و آموزه های یک دین، لازم است حداقل در سه محور به طور تفصیلی تری مطالعه کنیم.

۱. مراد از متون اصلی متونی است که اگر وحیانی و قدسی نیز تلقی نمی شوند اما به نوعی دارای حجیت و اعتبار ثانوی دینی اند، مانند وده های فرعی، پورانه های فرعی، و اوپه نیشدهای فرعی. اما متون دینی کلاسیک به آن دسته از آثار دینی گفته می شود که سنت یک دین آنها را به عنوان متونی پذیرفته شده که به شرح و تبیین حقایق، ارزش ها و تکالیف آن دین می پردازد، می نگرد.

یکی از این سه، مطالعه آیین بر پایه متون مقدس و اصلی آن آیین است.^۱ در این فرآیند، پژوهشگر ادیان با مطالعه همه یا بخش‌های گزیده‌ای از متون با درون مایه آن دین به طور مستقیم آشنا می‌شود. این مواجهه مستقیم می‌تواند علاوه بر آشکار ساختن پاره‌ای خطوط اصلی دین، ما را با مراتبی از تجربه معنوی پیروان آن دین در هنگام قرائت متن مقدس شریک سازد، و یا قدری از حال و هوای حاصل از مطالعه متون دینی را به ما منتقل گرداند. و البته این تمام مطلب نیست.

باری، ضرورت مواجهه مستقیم با متون مقدس و اصلی دین در مطالعه ادیان موجب گشته است تا بخشی از تلاش دین‌شناسان معطوف فراهم آوردن این امکان برای پژوهندگان و دانشجویان ادیان گردد. فرآورده این تلاش پیدایش کتاب‌هایی با عنوان «گلچین» یا anthology، و «کتاب قرائت» یا reader بوده است. در این گونه کتاب‌ها معمولاً سعی می‌کنند گزیده‌هایی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بخش‌های متون مقدس و اصلی ادیان را در معرض تأمل دین‌پژوهان قرار دهند. این کار را گاه با محور قراردادن مفاهیم و اندیشه‌های اساسی مطرح در متون مقدس و اصلی صورت می‌دهند. در حوزه زبان فارسی این کار به دو جهت اهمیت می‌یابد: یکی از آن رو که بسیاری از متون مقدس و اصلی ادیان، به ویژه دین‌های شرقی، به فارسی ترجمه نشده است و دانشجویان و علاقه‌مندان موضوع ادیان از شناخت مستقیم این بُعد مهم در حرمان‌اند. از طرف دیگر در کشورهای نظیر ما، ترجمه‌های انگلیسی متون مقدس و اصلی ادیان نیز کمتر در اختیار است و همین مقدار هم که هست برای افراد کم بهره از زبان انگلیسی قابل استفاده نیست. بدیهی است با حجم بسیار زیاد متون مقدس و اصلی ادیان، ترجمه همه آنها آرزویی بسیار دور دست می‌نمایند، و بنابراین، تنها راه چاره فراهم آوردن گزیده‌ها و گلچین‌های دقیق و عالمانه خواهد بود.

در خصوص آیین هندو، اگرچه متون مهمی به فارسی برگردانده شده است، متون مهم دیگری نیز هست که ترجمه نشده مانده و دست دین‌پژوهان از آن کوتاه است. متون هندویی، چه شروتی و سمرتی^۲، درون مایه دین هندویی را می‌سازد. کسی که بخواهد

۱. دو دیگر عبارت‌اند از: مطالعه آیین بر پایه متون کلاسیک، و مطالعه مردم‌شناختی آیین، که اولی ابعاد کلامی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی آیین را برمی‌شناساند، و دومی، آیین‌ها، آداب، و وجوه مختلف دین عامه و مردمی را معرفی می‌کند.
 ۲. Smṛti و Śruti متون هندویی را به طور سنتی به دو دسته می‌کنند: شروتی‌ها، که به منزله متون وحیانی‌اند؛ سمرتی‌ها، که همچون متون ثانوی یا روایات‌اند. بعد از این در این باره خواهیم خواند.

آیین هندو را بشناسد لاجرم باید با این متون به وجه مستقیم و بدون هیچ تعبیر و تفسیری آشنایی یابد.

در معرفی متون هندویی رسم بر این بوده است که پس از تقسیم آن‌ها به شروتی‌ها^۱ و سْمرتی‌ها^۲، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متون مقدس و اصلی هندوها را شماره و معرفی می‌کرده‌اند. معمولاً این معرفی‌ها از این چند عنوان تجاوز نمی‌کرده است: ۱. وده‌ها، و به ویژه رِگ وده^۳، ۲. اوبه‌نیشدها^۴، ۳. حماسه‌های راماینه^۵ و مهابهارته^۶ و بخش کوچک اما پر اهمیتی از آن به نام بَهگودگی‌تا^۷، و گاهی در معرفی‌های مفصل‌تر به چند عنوان دیگر، مانند پورانه‌ها^۸ قانون مَنو^۹ نیز اشاره می‌کرده‌اند. اما این نحوه معرفی متون هندویی علاوه بر این که تنوع و تکثر عظیم آنها را دربر نمی‌گیرد، جغرافیای موضوع را نیز نمایش نمی‌دهد. جای آن هست که در این جا این سنت را بشکنیم و، ولو به اجمال، تنوع و تکثر ادبیات دینی آیین هندو را به همراه ربط و پیوندها و ویژگی‌های هر یک برشناسیم.

چنان‌که می‌دانیم زبان عمده متون دینی هندو سنسکریت است. در ابتدا و تا قرن‌ها، سنسکریت وده‌ای تنها زبانی بود که این متون به آن نوشته می‌شد و چون تعلّم و تعلیم زبان سنسکریت (یا لاقلاً تعلیم آن) در انحصار برهمن‌زادگان بود، وساطت ایشان در انتقال و کاربست وسیع دانش مقدس همواره الزامی بود و جایگاه دینی ایشان به این سبب همیشه محفوظ می‌ماند. اما سنسکریت وده‌ای کم‌کم به سوی سادگی متحول شد. بعدها در طول هزاره اول پس از میلاد، زبان تامیلی^{۱۰} و سپس پُرکرتی^{۱۱} را نیز که از خانواده زبان‌های درویدی^{۱۲} بودند، به کار بستند، و بالاخره در هزاره دوم میلادی، از دیگر زبان‌های بومی (درویدی) و گویش‌های نو-هندی، که از سنسکریت مایه گرفته‌اند، نیز برای نوشتن و خواندن متون دینی استفاده کردند (۲۶: ۱۰). بنابراین، تنها برخی از متون متأخرتر و عمدتاً فرقه‌ای و محلی آیین هندو به زبان‌هایی به جز سنسکریت است.

اگر بخواهیم تقسیم‌بندی کامل‌تری از متون دینی هندوها (شامل متون مقدس

- | | |
|------------------|----------------|
| 1. Srutis | 2. Smṛtis |
| 3. Ṛg Veda | 4. Upaniṣads |
| 5. Rāmāyano | 6. Mahābhārata |
| 7. Bhagavad Gītā | 8. Purānas |
| 9. Manu-smṛti | 10. Tamil |
| 11. Prakrit | |

وحیانی و اصلی و متون کلاسیک) داشته باشیم بهتر است آنها را در هفت دسته کلی ارائه کنیم: ۱. شروتی‌ها. ۲. سْمُرتی‌ها. ۳. سوْتْرَه‌ها^۴. ۴. ودانگه‌ها^۵. ۵. اوپه‌وده‌ها^۶. ۶. متون فرقه‌ای. ۷. متون کلاسیک (شامل مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شرح‌ها و تفسیرها، متون مکتب‌های فلسفی، عرفانی، نمایشنامه‌ها و دیوان‌های شعر).

۱- متون شروتی

شروتی واژه‌ای سنسکریت به معنای «شنیده شده» است. این متون به یک معنا وحیانی‌اند، اما نه به این معنا که خدایی آنها را گفته و بر پیامبری وحی کرده است.^۲ در نزد هندوها داستان از این قرار است که صداهای کیهانی حقیقت که از ازل وجود داشته است به سمع رُشی‌ها^۳ یعنی فرزندان و رازبینان باستان رسیده است. آن‌گاه این دانش مقدس را رُشی‌ها نسل به نسل در خاندان‌های برهمنی منتقل کرده‌اند (۹:۲۳) و بعدها این آموزه‌ها به صورت مکتوب درآمدند.

شروتی فقط شامل وده‌ها (به معنای عام کلمه) است. اما وده‌ها، در اصطلاح اعم، خود شامل چهار دسته متن‌اند: سْمهیتاها،^۶ بُراهمنه‌ها، آرْتیکه‌ها و اوپه‌نیشدِها (۱:۳۲۸).

الف) سْمهیتاها

سمهیتا، مجموعه، عنوان عامی است که به متون مجموعه‌وار اطلاق می‌گردد؛ از جمله به برخی متون متأخر با عنوان سْمهیتاها ویشنوی برمی‌خوریم. اما معمولاً وقتی از سمهیتاها سخن می‌گویند مراد چهار متن مهم و اولیه به نام‌های رُگ وده، سامه وده،^۷ یَجور وده،^۸ و اَنَهْرُوه وده^۹ است. این متون را وده نیز می‌خوانند. در حقیقت عنوان وده در مفهوم خاص خود، که از قضا کاربرد شایع‌تری نیز دارد، در مصداق با سمهیتاها و اولیه یکی

1. Śtras

2. [Vedāngas]

3. Upavedas

۴. البته این دیدگاه کلاسیک یا عام سنت هندویی است اما در برخی تعالیم مذاهب خداپاوار هندویی که به خدایی شخصی گرایش دارند، شاید تحت تأثیر آموزه‌های ادیان ابراهیمی، تبیین‌های مشابه ماجرای وحی خدایی شخصی، مانند ویشنو، به چشم می‌خورد. (۲۷:۲۱) اما دیدگاه عمومی و سازگارتر با کل نظام اندیشه هندویی، شروتی را صوتی ازلی (قدیم یا غیرمخلوق) تلقی می‌کند. البته در این باره مباحث تفسیری و کلامی مفصلی در خود آیین هندو در گرفته است (۱۹: مقدمه: ۱۳)

5. ṛsis

6. Samhitās

7. Sāma Veda

8. Yajur Veda

9. Atharva Veda

است.^۱ وده در لغت به معنای «دانش» است. چهار وده در پهنه تاریخی وسیعی، از ۱۵۰۰ تا ۸۰۰ ق.م. شکل گرفته‌اند تا نیازهای دینی و آیینی آریاییانی را که به هند کوچیده بودند برآورند. در حقیقت این متون انعکاسی از دین و فرهنگ آریایی اند.

الف - ۱) رِگ‌وده سَمَهِتا: رِگ وده در لفظ به معنای «دانش ستایش» است، و در واقع نیز مشتمل بر مدیحه‌سرایی و ستایش‌هایی خطاب به خدا یا خدایان آن فرهنگ است. رِگ‌وده دارای ۱۰۱۷ (یا ۱۰۲۸)^۲ سرود است. به هر سرود سِوِکته^۳ می‌گویند. هر سِوِکته از بیت‌هایی شکل می‌گیرد که به آن ریچ^۴ می‌گویند. همه سرودهای رِگ‌وده را در ده کتاب یا مَنْدَله^۵ تنظیم کرده‌اند.

بسیاری از محققان هندو قدمت رِگ‌وده را سه تا چهار هزار سال پیش از میلاد می‌دانند، اما بنابر برخی تحقیقات، رِگ‌وده بایستی به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد تعلق داشته باشد (۴:۱۵۲). سرودهای رِگ‌وده را به یک نفر نسبت نمی‌دهند، بلکه آنها را متعلق به رُشی‌ها یا فرزندان متعدد می‌دانند.

این متن باستانی، قدیمی‌ترین و محوری‌ترین متن مقدس و جزء لاینفک آیین هندو است. گرچه برخی جریانات اصلاح‌طلب هندو در صدد نفی حجیت رِگ‌وده (و اصولاً وده‌ها) برآمده‌اند، اما به طور سنتی می‌توان اعتقاد به وده‌ها را به نوعی معیار هویت هندویی تلقی کرد. اهمیت رِگ‌وده تنها در همین نیست، رِگ‌وده یکی از مهم‌ترین منابع اطلاع از دین و جامعه وده‌ای نیز هست. برخی سرودهای آن بیشتر هندو-اروپایی است تا هندویی، و بنابراین منبعی برای اوضاع فکری و دینی آریاییان؛ پیش از سکونت نهایی در هند نیز به شمار می‌رود (۷: مقدمه: ۵).

الف - ۲) سامه وده: این وده به اشعاری اختصاص دارد که در مناسک قربانی سُمه^۶ توسط یکی از چهار روحانی اصلی، که با عنوان اودگاتری^۷ (نوازنده) شناخته می‌شود، قرائت می‌گردد. این اثر مشتمل بر ۱۸۱۰ یا ۱۵۴۹ بیت است، (اگر مکررات حذف شود) که تقریباً همه آن، بجز ۷۸ بیت از رِگ‌وده اخذ شده است. آوازهای مقدس یا سامه‌ها

۱. وده در مفهوم عام‌تر شامل براهمت‌ها، آژیکه‌ها و اوبه‌نیشدها نیز می‌شود.

۲. بنابراین که شامل سرودهای وَالکَهیلِیه (Vāḷakhilya) بشود (۱:۲۵۰).

۳. ṛc

۴. Soma

3. Sūkta

5. maṇḍala

7. Udgātri

ترانه‌هایی بود که بر پایه همین سرودها تنظیم گشته بود و اودگاتری بایستی اجرای آنها را قبلاً بیاموزد. دستورالعمل‌های مربوط به هماهنگ‌خوانی سرودها نشان از آن است که سبک آواز نیایشی در دوره وده‌ای بیشتر شبیه آوازهای ساده بدوی بوده است. گویا اعتقاد بر این بوده که زیر و بم و آهنگ مناسب، قدرت مؤثری به آواز می‌دهد.

سامه‌وده دارای دو بخش است: بخش نخست را پُورِوارِیچیکه^۱ می‌نامند و شامل ادبیات جداگانه‌ای است که به عنوان یاری‌دهنده در یادآوری آهنگ‌های متنوع به کار می‌رود. بخش دوم را اوتِراچیکه می‌خوانند و دربردارنده متن کامل آوازهاست. (۱ و ۲ و ۳)

الف - ۳) یَجوروده یا ودهٔ قربانی در مناسک اول ماه و قرص کامل ماه، قربانی و سُمه^۲ به کار می‌رفته است. این مناسک را یکی از چهار دینیار آیین قربانی، با عنوان اَدَهوَرِیو^۳ اجرا می‌کرده است. از مجموعه یَجور وده دو بخش تجدیدنظرشده به نام‌های یَجور ودهٔ سفید و سیاه در دست است، که اولی فقط به نظم (قطعه‌های شعری یا منتره) و دومی مخلوطی از نظم و نثر است. به بخش‌های منثور آن براهمنه^۴ می‌گویند. یَجور ودهٔ سفید نماینده مکتب آدیتی^۵ است که در شمال و در مهاراشتره^۶ رواج دارد، و یَجور ودهٔ سیاه نماینده مکتب برهما^۷ است (۴۷: مقدمه: ۱۴). این تقسیم دوگانهٔ یَجور وده به سبب نگرش‌های متفاوت معلمان و پیروان اولیهٔ آن بوده است (۹: مقدمه: ۶۹). بدانیم در عصر وده‌ای مکتب‌های الهیاتی متعددی وجود داشته است که هر یک به آموزش و حفظ رشته‌ای از متون به‌هم‌وابسته می‌پرداخته‌اند. این مکتب‌ها که به نام شاگْها^۸ معروف بوده‌اند عامل حفظ و انتقال این متون به شمار می‌روند. برای مثال، برهن‌های مکتب یتیری به آموزش و تعلیم بخش یتیری به از یَجور ودهٔ سیاه و نیز براهمنه‌ها، آرنیکه‌ها، اوپه‌نیشدها، و شروتهٔ سوتره‌های متعلق به آن می‌پرداختند (۳۹: ۶۶).

الف - ۴) اَتْهَرَوَهده: این نام برگرفته از شخصیتی اسطوره‌ای به نام اَتْهَرَوَن^۹ است که، بنابر سنت هندی، پسر بزرگتر برهماست (۲۹: ۱) و همو این اثر را نوشته است. اَتْهَرَوَهده (ودهٔ اَتْهَرَوَن) دربردارندهٔ دانش جادوی مثبت و منفی است؛ دعاها و وردهایی برای به

1. Pūrvāricika

2. Soma

3. Adhvaryu

4. Brāhmana

5. Āditya

6. Mahārāstra

7. Brahmā

8. sākhā

9. Atharvan

دست آوردن سعادت و ایمنی و نیز اذکاری برای درهم‌کوبیدن و دورکردن دشمنان و شیاطین. خدایان این وده همان خدایان رگ وده، مانند ایندره^۱ و اگنی^۲ اند که شخصیتشان قدری به سوی نیروهای نابودگر شیاطین تغییر کرده و کم‌رنگ‌تر شده است. اتهروه وده بیش از بقیه وده‌ها به موضوعات نظری عرفان‌گرویده اما در سرودهایش فلسفه را نیز با جادو در هم پیچانده است. برای مثال در جایی از مفهوم آست^۳ یعنی «معدوم» به عنوان وردی برای نابودی دشمنان، شیاطین، جادوگران و غیره بهره‌جسته است (۱: مقدمه: ۱۵). اتهروه وده به بیست گنده^۴ یا «کتاب» تقسیم می‌شود. هر گنده مشتمل بر چندین آنواکه^۵ یا بخش، و هر آنواکه دارای چندین سروده است. اتهروه وده در مجموع پنج هزار و نهصد و سی و سه بند، که هر کدام چند سطر می‌شود در خود دارد.

ب) بُراهمَنَه‌ها^۶

براهمنه‌ها مجموعه نوشته‌های پرحجمی است که در مدتی طولانی (۸۰۰ تا ۳۰۰ ق.م) به هر یک از وده‌های چهارگانه ضمیمه گردیده است، از این رو جزء متون وده‌ای (در معنای عام کلمه) به شمار می‌رود. رگ وده دارای دو براهمنه و یجوروده، سامه وده، واتهروه وده به ترتیب دارای دو، هشت و یک براهمنه‌اند (۲۲ و ۴۲: ۴). براهمنه‌ها، چنان که نامیده‌اند، برای راهنمایی برهمنان در انجام صحیح مناسک و مراسم عبادی فراهم آمده است. در این متون با شرح و تفصیل فراوان به جزئیات مربوط به این مناسک پرداخته و معانی رمزی آنها را توضیح داده‌اند.

علاوه براین، در براهمنه‌ها، که در میان متون غیر شعری سنسکریت قدیمی‌ترین محسوب می‌شود، نمونه‌های جمع و جوری از اساطیر متون بعدی هندویی (مانند پورانها) به چشم می‌خورد که همین‌ها بعداً گسترش یافته‌اند (۴: ۴۲)

ج) آرَئیکه‌ها^۷

آرَئیکه در سنسکریت به معنای «متون جنگلی» است و گویا محصول مجاهدات و اندیشه‌های آن دسته از برهمنان و کُشتریه‌هایی بوده که ترک دنیا کرده و برای عزلت و

1. Indra
3. asat
5. Anuvāka
7. Āraṇyakas

2. Agni
4. Kānda
6. Brāhmanas

آرامش به درون جنگل (آرنیه)،^۱ کوچ می کرده‌اند، رسمی که هنوز هم در تعالیم هندویی به عنوان یکی از مراحل زندگی یک هندو توصیه می‌کنند. بعد از این خواهیم خواند که در سنت هندویی، هر هندو چهار مرحله را در زندگی باید طی کند: ۱. طلبگی و آموختن. ۲. خانه‌مندی و رسیدگی به اهل و عیال. ۳. عزلت‌گزینی در جنگل و خلوت‌ها برای تمرکز و تفکر. ۴. ترک تعلق کلی از دنیا و از کسب معاش. گفته می‌شود که هر یک از متون وده‌ای به یکی از این دوره‌ها تخصیص داشته است، و در این چینش، آرنیکه‌ها مخصوص دورهٔ عزلت در خلوت جنگل بوده است (۶۷۳؛ ج یکم: ۱۶). این نوشته‌ها، که سومین جزء از متون شروتی محسوب می‌شوند، ماهیتی رمزگونه دارند و تقسیم‌های عارفانه‌ای از مناسک و مطالب وده‌ها به دست می‌دهند. همین نگرش‌های رمزی و عرفانی هستهٔ اولیهٔ اوپه‌نیشدها را تشکیل داده است (۱:۱۷ و ۴:۲۴).

آرنیکه‌ها در حقیقت ملحقات براهمنه‌هایند، چنان‌که براهمنه‌ها هر یک ضمیمهٔ یکی از وده‌ها بودند. به این ترتیب هر یک یا چند آرنیکه باید با یکی از وده‌ها پیوند داشته باشد (۲:۱۷). اما در واقع آرنیکه‌های موجود فقط به زگ‌وده و یجوروده تعلق دارند و برای سامه‌وده و ائَهزوه‌وده آرنیکه‌ای در دست نیست (۶۷۳؛ ج یکم، ۱۶) با توجه به قرائن تاریخی و متن‌شناختی همهٔ آرنیکه‌ها بایستی از براهمنه‌ها متأخرتر و بر تألیف سوتره‌ها مقدم باشد (همان).

(د) اوپه‌نیشدها

اوپه‌نیشد در سنسکریت به معنای «نشستن پایین پا و نزدیک» است، و گفته می‌شود اشارهٔ به اوضاعی است که این متون در آن شکل گرفته، یعنی مجالسی که در آن استادان (گوروها) به شیفتگان دانش و عرفان تعلیم می‌داده‌اند. اوپه‌نیشدها مجموعه‌ای مفصل اما ناهمگون از متون است که قدمت برخی (اوپه‌نیشدهای اصلی) را، به ۸۰۰ تا ۳۰۰ ق.م. گمانه می‌زنند. قدیمی‌ترین اوپه‌نیشدها به نثر بوده اما هر چه پیش‌تر می‌آید به نظم شبیه‌تر می‌شود. میان اوپه‌نیشدهای اولیه و آرنیکه‌ها تمایز چندانی نمی‌توان نهاد؛ چه این که موضوع هر دو تفسیر رمزی و عرفانی مناسک و دانش وده‌هاست. حتی برخی

آرنیکه‌ها (همچون آیتریه آرنیکه)^۱ خود را در رسته اوپه‌نیشدها طبقه‌بندی می‌کند، و یکی از قدیمی‌ترین اوپه‌نیشدها (بریه‌دآرنیکه)^۲ نام آرنیکه را یدک می‌کشد. تألیف اوپه‌نیشدها، به عنوان گروه متمایزی از متون به قرون میانه و حتی دوران جدید هم کشیده شده (۴۰:۱۲) و تعداد آنها به ۱۰۸ عدد رسیده است (۲۲۳:۴). اما به هر حال اوپه‌نیشدهای اصلی را دوازده عدد شماره کرده‌اند و بر آن شرح‌ها و تعلیقه‌های بسیار نوشته و به تعداد زیادی از زبان‌های دنیا ترجمه کرده‌اند.^۳ اوپه‌نیشدهای اولیه عبارت‌اند از: بڑهدآرنیکه اوپه‌نیشد، چهان‌دگیه اوپه‌نیشد،^۴ یتیری‌یه اوپه‌نیشد^۵ آیتریه اوپه‌نیشد،^۶ کوشی‌تکی اوپه‌نیشد،^۷ کته اوپه‌نیشد،^۸ کته اوپه‌نیشد^۹ ای‌شا اوپه‌نیشد،^{۱۰} شو‌تاشو‌تزه اوپه‌نیشد،^{۱۱} موندکه اوپه‌نیشد،^{۱۲} پُرشنه اوپه‌نیشد^{۱۳} و مَندوکیه اوپه‌نیشد^{۱۴} (۱۷). اوپه‌نیشدها در حقیقت در بردارنده شالوده فلسفی و عرفانی آیین هندواند، و از آن جا که نقطه اوج دانش و ده‌ای تلقی می‌شوند به ودَته^{۱۵} یعنی «منتهای وده» نامبردارند. کارکرد اوپه‌نیشدها را باید تغذیه فکری و معنوی کسانی دانست که می‌خواهند به لایه‌های عمیق‌تر و غیر مناسکی دین راه برند و با کسب خودآگاهی به دیدی وحدانی درباره عالم، انسان و خدا برسند. نویسندگان اوپه‌نیشدها برای تبیین منطقی و سازمند حقایق مورد نظر تلاشی نکرده‌اند و فهم و قبول آنها را به تأمل و تفکر همراه با پالودگی درون و انهاده‌اند. بی هیچ تردید اوپه‌نیشدها، به ویژه بخش اولیه و اصلیش، از مهم‌ترین و معتبرترین منابع دین و معنویت هندویی و آخرین متن شروتی (و حیانی) نزد آنها است.^{۱۶}

۲ - متون سُمَرْتی

سُمَرْتی در سنسکریت از ریشه smṛ (یاد) و به معنای «به یاد آمده» است. این اصطلاح عامی است برای همه حجم وسیعی از دانش مقدس دینی هندوها که به خاطرها آمده و

1. Aitarya Aranyaka

2. Bṛhadāranyaka

۳. در این باره در بخش اندیشه‌های آیین هندو بیشتر خواهیم خواند.

4. Chānogyā Upaniṣad

5. Taittirīya Upaniṣad

6. Aitareya Upaniṣad

7. Kauṣītaki Upaniṣad

8. Kena Upaniṣad

9. Kaṭha Upaniṣad

10. Īśā Upaniṣad

11. Śvetāśvatara Upaniṣad

12. Mundaka Upaniṣad

13. Praśna Upaniṣad

14. Māṇḍūkya Upaniṣad

15. Vedānta

۱۶. محتوای نظری و اندیشه‌های اوپه‌نیشدها را بعد از این بررسی خواهیم کرد.

در سنت هندوی منتقل گشته است. برخی محققان متون سُمرتی را معادل «روایات» در سنت‌های دیگر تلقی کرده‌اند (۲۸۵: ۸). به این ترتیب، چنان‌که از همین اصطلاح نیز برمی‌آید، این متون گرچه وحیانی (شروتی) تلقی نمی‌شوند اما از طرفی از ارزش و اعتبار دینی درجهٔ دو برخوردارند، و برخی، مانند بهگودگی‌تا، حتی محبوبیت و توجهی هم‌ارز مهم‌ترین متون وده‌ای کسب کرده‌اند.

در این‌که سُمرتی، در اصطلاح عام خود، شامل چه متونی می‌شود وحدت کلمه وجود ندارد، اما به اتفاق ایتی‌هاسه‌ها،^۱ پورانها،^۲ و دهرمه‌شاستره‌ها^۳ را سُمرتی می‌شمارند.^۴

الف) ایتی‌هاسه‌ها

ایتی‌هاسه به معنای «چنین گفته می‌شده» است، و این اصطلاح عامی است برای داستان‌های باستان در سنت هندو. مهم‌ترین این داستان‌ها دو حماسهٔ مه‌ابهارته^۵ و راماینه^۶ است (۸۶: ۴)، اما جز این دو، کاویّه‌ها^۷ را نیز در این شمار آورده‌اند (۲۸۲: ۱). الف - ۱) مه‌ابهارته: این اثر حماسی منظوم را بزرگ‌ترین حماسه ادبی جهان دانسته‌اند (۲۳۶: ۸). مه‌ابهارته دارای یکصد هزار بیت (شُلکه)^۸ است. گویا شاعران متعددی در سرودنش دست داشته‌اند، چراکه شیوهٔ آن یکدست نیست. زبان مه‌ابهارته سنسکریت کلاسیک یا حماسی است و با سنسکریت وده‌ای تفاوت‌های قابل توجهی دارد. بنابر سنت هندوها، سرایندهٔ این اثر شخصی به نام ویاسه^۹ است، اما هیچ شاهد تاریخی برای این ادعا سراغ نداریم (۳۴۲: ۱). مه‌ابهارته کتابی همه‌شمول است؛ هم به لحاظ تنوع مطالب و موضوعات و هم از جهت جذب مخاطبان مختلف از طبقه‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ هندو. این کتاب به مباحث فلسفی، اخلاقی، و اساطیری آیین

1. Itihāsas

2. Purānas

3. Dharma Śāstras

۴. در این جستار بهتر دیدیم بر همین قدر متیقن تکیه کرده و چنان‌که برخی محققان رفته‌اند، متونی مانند ودانگه‌ها (Vedāngas) و سوتروه‌ها (Sūtras) را جداگانه دسته‌بندی کنیم. برای آگاهی از دسته‌بندی دیگر، بنگرید به: (۱: ۲۸۲).

5. Mahābhārata

6. Rāmāyana

۷. Kāvya: کاویّه، بنابر یک تعریف، به حماسه‌ای گفته می‌شود که بهره‌ای از حقیقت تاریخی نداشته باشد، برخلاف اسطوره‌ها که گویا پردازش نحلی و آرمانگرانهٔ واقعیت‌های تاریخی‌اند. برخی محققان بر آنند که حماسه بر دو نوع است: حماسه‌های ساختگی یا کاویّه‌ها و حماسه‌های اسطوره‌ای یا ایتی‌هاسه‌ها. ایشان مه‌ابهارته و پورانها را ایتی‌هاسه می‌دانند و راماینه را جزء کاویّه‌ها می‌شمارند (۲۳۵: ۸).

8. śloka

9. Vyāsa

هندو پرداخته است و حتی از احکام شرعی و موضوعات عرفانی، آیین‌ها و آداب مهرورزی و کامجویی، و اصول شهریاری و سیاست نیز فروگذار نمی‌کند. مبانی مذاهب بزرگ هندو، همچون مذهب شیوه و ویشنو و همچنین اصول مکتب‌های فلسفی شش‌گانه مانند: سانکھییه، ودانتیه، یوگا، و وی‌شیشیکه و مباحثی نظیر نزول خدا در عالم مادی (اَوَناوه)، و طریق محبت (بُهکتی مازگه) همراه با مطالب کم ارزش‌تر و احياناً خرافاتی فراوان (۳: ۱۸) در این حماسه بزرگ مندرج است. شاید بی‌وجه نبوده است که آن را دایرة‌المعارف دوران حماسی هند خوانده‌اند. سنت هندو در وصف مهابهارتیه چنین می‌پندارد که «هر چه در این جا هست در جای دیگر نیز تواند بود، و هر چه در این جا نیست در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود» (۲۳۷: ۸).

مهابهارتیه را به هیجده دفتر بزرگ (پَرَوَن^۱ یا پَرَوَه^۲) تقسیم کرده‌اند و یک فصل دیگر را نیز به آن ملحق می‌دانند. هر دفتر معمولاً به فصل‌های کوچک (اَدھیایه^۳) و آنها نیز به فصل‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند. بعید نیست که هسته اولیه این اثر فقط مشتمل بر ۲۰ هزار بیت بوده باشد که تنها به ماجرای نبرد هیجده روزه میان دو قوم کوروها^۴ و پاندوها^۵ می‌پرداخته است، چه این که نام مهابهارتیه، «نبرد بزرگ بازماندگان بهارتیه»، نیز بر همین دلالت دارد (۲۳۸: ۸).

گویا حماسه مهابهارتیه از یک واقعه تاریخی الهام گرفته است که شاید در زمانی دور در دوره وده‌ای باستان رخ داده است. اما صورت حماسه اولیه بایستی در سده پنجم ق.م. شکل گرفته و به تدریج آن را به نظم در آورده باشند. به هر روی، تکوین نهایی مهابهارتیه بایستی آن قدر متأخر باشد که در آن به ماجرای راماینه نیز پرداخته‌اند.

اصل داستان از این قرار است که ریاست حکومت کوروها به شخص ناینبایی به نام دَهرتراشته^۶ رسید و او برادر کوچکش پاندو را به جای خود به شهریاری نشانده. اما پاندو پس از مدتی از پادشاهی کناره گرفت و به همراه خانواده‌اش در خلوتگاهی در هیمالایا معتکف شد. پس از درگذشت پاندو پنج پسر او را به مقر حکومتی عموی ناینبایشان بازگرداندند تا فنون جنگی بیاموزند. پسر بزرگ‌تر پاندو به سن بلوغ رسید و او را به جانشینی عمو برگزیدند، اما حاکم نایبنا صد پسر داشت که به پسر عموی خویش رشک

1. Parvan

3. adhyāya

5. Pāndu

2. parva

4. Kurus

6. Dhrtarāṣṭra

بردند و با حيله‌ها و دسيسه‌های مختلف قصد او را کردند. پنج برادر از این شر و شور گریختند و به دربار پادشاه پانچالا پناه بردند.

بنابر رسم آن روزگار مراسم همسرگزینی دختر پادشاه پانچالا با مسابقه تیراندازی مخصوصی انجام می‌گرفت. در این مسابقه یکی از پسران پاندو به نام ازجونه^۱ توانست کمان تسخیرناپذیر پانچالاها را خم کند و در تیراندازی به مقام نخست دست یابد و درویدی،^۲ دختر پادشاه پانچالا را به خود اختصاص دهد. درویدی برای آن که بین پنج برادر اختلاف نیفتد، هر پنج تن را به همسری برگزید و همسر مشترک آنها شد. پس از چندی پادشاه کشور کوروها و عموی نابینای پنج برادر، ایشان را دوباره به دربار فراخواند و خود را برکنار ساخت و کشور را بین فرزندان خود و برادرزادگانش قسمت کرد. پنج برادر برای خود در مکانی نزدیک دهلی امروزی پایتخت عظیمی بنا کردند. اما کینه و حسد کوروها ادامه یافت و از سر حيله‌گری بساط قمار چیدند و برادر بزرگ‌تر پاندوها را به قمار خواندند و با حيله او را شکست دادند. در این قمار پاندوها همه چیز خود از جمله پادشاهی و همسرشان را باختند. اما قرار بر این شد که پنج برادر دست همسر خود را گرفته و به مدت سیزده سال به دیار غربت تبعید شوند و با گمنامی زندگی کنند،^۳ و پس از این مدت به ملک خویش بازگردند و پادشاهی را باز پس گیرند.

مدت مقرر سپری شد، پنج برادر از پسر عموهای خود وفای به وعده را خواستند اما آنان از آن سر باز زدند. از این‌رو برادران پاندو خود را برای کارزار آماده کردند و سپاهانی آراستند. این نبرد به نبرد میان همه سلاطین آن زمان هند، اعم از یونانیان، چینی‌ها، و بلخی‌ها انجامید، زیرا هر کدام به یکی از این دو گروه پیوستند.

نبرد هیجده روز به طول انجامید، همه دلاوران و پهلوانان دو سپاه کشته شدند و فقط پنج برادر پاندو و ارابه‌ران ایشان، کرشنه، زنده ماندند. برادر بزرگ‌تر پس از پیروزی تاجگذاری کرد و به کمک پنج برادر حکومتی دادگستر تشکیل داد. رسم‌های نیکو بنا نهادند و عدل انصاف را بر جای جور و ستم نشاندند. بالاخره با گذر زمان برادران پاندو

1. Arjuna

2. Drupadī

۳. شرط گمنام به سر بردن بسیار حساسی است که در این داستان دستمایه هیجان‌ها، غصه‌ها و احساس غربتی کشنده در قهرمانان داستان می‌شود و به این وسیله عواطف خوانندگان را به شدت با آنان همراه می‌کند. برای نمونه، احساس شهزاده خانمی که به خاطر وفاداری به شوهرانش (پنج برادر) بایستی در گمنامی تن به کلفتی ثروتمندان بدهد و از اصل و نسب خود دم نزند، یا شاهزادگان شجاعی که بایستی سیزده سال تمام در غربت و گمنامی تن به خواری‌ها دهند و حتی نتوانند از همسر خود دفاع کنند، همه اینها با سوز و گداز و با طول تفصیل بسیار در این حماسه بزرگ شرح داده شده است.

پیر شدند و تاج و تخت را به نوۀ ارجونه، قهرمان ماجرای بهگودگی، سپردند و خود با همسرشان ترک دنیا کرده به خلوتگاه هیمالایا و به سوی کوۀ پرو^۱ رهسپار شدند و از آن بالا رفته و به شهر جاودان خدایان وارد شدند.^۲

ماجرای بهگودگی تا مربوط به آن بخش از این اسطوره است که دو سپاه هم خون و خویشاوند در برابر هم صف آراسته بودند و ارجونه، قهرمان مردد شده بود که به روی اقوام خود شمشیر بکشد و تیز افکند، و این که چرا باید به چنین جنگی مبادرت کند. در این هنگام کُرشنه، که تنزل خدا (ویشنو) در عالم تلقی می شود، در هیأت اراهاران، او را از اسرار این جنگ و راه‌های رستگاری آگاه می کند، و به این ترتیب از بخش ۲۳ تا ۴۰ از این حماسه بزرگ، متن پراهمیت و کم حجم بهگودگی تا پدید می آید. درباره بهگودگی تا و محتوای آن در بخش اندیشه‌ها به تفصیل خواهیم خواند. باری، حماسه مهابهاتره در دیانت و اندیشه هندوها بسیار مؤثر افتاده است و از آن تعبیر و تفسیرهای فلسفی، اخلاقی و عرفانی و حتی جامعه‌شناختی (برای نمونه بنگرید به: ۲۰) بسیاری کرده‌اند و می‌کنند (۲۴۲ - ۲۴۰: ۸). این اثر را به زبان‌های مختلف دنیا از جمله به فارسی ترجمه کرده‌اند. گویا اول بار مهابهاتره را در زمان زین‌العابدین، پادشاه ادب دوست کشمیر از سنسکریت به فارسی برگرداندند، اما از آن نسخه‌ای در دست نیست. سپس به فرمان اکبرشاه (.../۱۶۰۵ - .../۱۵۴۲) در جمله کتاب‌های دیگری که از سنسکریت به فارسی ترجمه کردند، مهابهاتره را نیز به صورت مفهوم به مفهوم، و قدری با تعبیر و تفسیر موافق با دیدگاه اسلامی، به فارسی نقل کردند. این کار به وسیله شخصی به نام نقیب‌خان (م. ۱۰۲۳ هـ.ق) و با کمک علمای هندو (پندیت‌ها) صورت گرفت. بعد از او محمد داراشکوه، پسر ارشد شاه جهان، مهابهاتره را با اصلاح و تکمیل، اما به طور خلاصه‌تر به فارسی ترجمه کرد. در عصر ما سید محمدرضا جلالی نایینی، همان ترجمه نقیب‌خان (میر غیاث‌الدین علی قزوینی) را با تحقیق و تصحیح و تحشیه، در چهار مجلد به چاپ رسانده است (۱۸). نخستین ترجمه‌های مهابهاتره به زبان‌های اروپایی بسی دیرتر از این صورت گرفت (سی و هفت: مقدمه: ۱۹).

1. Meru

۲. در نقل این خلاصه و توصیف ویژگی‌های مهابهاتره از منبع شماره (۸) بسیار بهره گرفته شده است برای آگاهی از جزئیات بیشتر داستان بنگرید به: (مقدمه: ۱۸)

الف - ۲) راماینه: دومین حماسه بزرگ از دسته ایتی‌هاسه‌ها^۱ راماینه است. راماینه یا «کتاب ماجراهای رامه»، (۱۴۹: ۴)، به زبان سنسکریت و به نظم سروده شده است. سنت هندو این حماسه را به شخصی به نام والمی^۲ کی نسبت می‌دهد و او را شاعری برگزیده می‌شمارد که در ابتدا راهزن بود و در پی انقلابی درونی به شاعری رهنمون شد (۹ - ۸: ۲۱). راماینه به لحاظ سبک، از یکدستی بیشتری نسبت به مهابهارته برخوردار است، اما در طول تاریخ دخل و تصرف زیادی در آن روا داشته‌اند، به طوری که سه روایت موجود از آن با یکدیگر تفاوت بسیار دارند، و نزدیک به یک سوم از اشعار هر کدام در دیگری یافت نمی‌شود (همان). این منظومه قدیمی به لحاظ حجم یک چهارم مهابهارته و مشتمل بر حدود بیست و چهار هزار بیت است که به هفت بند یا گنده تقسیم می‌شود. گنده اول درباره دوران کودکی رامه، و گنده هفتم درباره دوران اواخر زندگی او و صعودش به عالم بالاست. در مجموع راماینه زندگانی حماسی و اسطوره‌ای رامه را ترسیم می‌کند.

تاریخ نگارش راماینه را معمولاً با تردید و حدود قرن سوم تا اول ق.م. ذکر می‌کنند (۲۴۳: ۸ و ۲۱) اما تألیف آن به صورت امروزی به قرن دوم م، بر می‌گردد، هر چند که داستان راماینه دیرینه‌تر از این زمان رخ داده (اگر رخ داده باشد) و به طور خلاصه در مهابهارته آمده است (۳۷۴: ج ۱: ۱۸). اکنون پس از قرن‌ها این اثر ادبی جایگاه مردمی مهمی در دیانت هندوها دارد و همه ساله در رام‌لی‌لاها،^۳ فستیوال‌های نمایشی، ماجرای نبرد رامه با راونه^۴ را به صورت نمادین بازآفرینی می‌کنند. (۱۵۰: ۴).

اصل ماجرای راماینه از این قرار است: رامه، یکی از چهار پسر پادشاه کُشه،^۵ در مجلس بزم پادشاه جَنگه^۶ در مسابقه تیراندازی پیروز شد و پادشاه بنابر رسم آن روز، دختر زیبا و باکمال خویش سی‌ته^۷ را به پادشاه به عقد وی درآورد. آن دو چندی را در دربار پدر رامه به خوشی گذراندند. پادشاه پیر شد و تصمیم گرفت رامه را به جانشینی خود برگزیند اما ملکه کی‌کی، همسر دوم پادشاه که مادر پسری از پادشاه به نام بهارته^۸ بود سخن از عهدی به میان آورد که زمانی پادشاه با او کرده بود که آرزوی او را از ملکه

۱. بنابر یک تقسیم‌بندی راماینه نیز یک ایتی‌هاسه است اما بنابر دسته‌بندی دیگر، چنانکه یاد شد، راماینه جزء حماسه‌های ساختگی یا کاریه‌ها است.

2. Vālmīki

3. Rāmīlās

4. Rāvana

5. Kōśala

6. Janaka

7. Sītā

8. Bhārata

برآورد. و اینک آرزوی او این بود که بهارته را به جانشین خود برگزیند. شاه به ناگزیر و با اکراه پذیرفت و رامه را خواند و ماجرا را برای او گفت. رامه با متانت و بزرگمنشی تقدیر خود را پذیرفت و به همراه همسر و برادر باوفای خود، لکشمنه^۱، به عزلت رفت. بهارته که جوانی حق شناس و جوانمرد بود و سلطنت را حق خویش نمی دانست، از جلوس بر تخت فرمانروایی کُشَلَه خودداری کرد و خویش را فقط قائم مقام سلطنت خواند و مدتی بعد به جایگاه برادر رفته او را به پایتخت بازگرداند تا سلطنت را به او بازپس دهد. اما رامه با سپاسگذاری از برادر جوانمرد خود خواهش وی را نپذیرفت و با دادن کفش های خود به بهارته به نوعی سلطنت را به او تفویض کرد. بهارته نیز کفش های رامه را به نشان وی روی تخت پادشاهی جای داد و خود درکنار آنها می نشست و به نام رامه حکومت می کرد. رامه با همسر و برادر دیگرش در جنگل های دور مسکن گزید. در آن دیار اهریمنان برای زاهدان و مرتاضان خلوت نشین مزاحمت ایجاد می کردند. رامه علیه اهریمنان قیام کرد و با تیرهای معجزه آسا آنان را از میان برداشت. سلطان اهریمنان، راونه^۲ به کین خواهی از رامه برخاست. او خویش را به صورت غزال زیبایی درآورد و به خلوتگاه رامه نزدیک شد. رامه و برادرش لکشمنه به تعقیب غزال از صومعه دور شدند. آن گاه راونه به هیأت راهبی به صومعه درآمد و سی ته را برپود و به پایتخت خویش برد. دو برادر پس از بازگشت و آگاهی از ماجرا سخت اندوهگین و پریشان شدند. اما ندایی از آسمان راه رهایش سی ته را به رامه نشان داد. رامه با پادشاه بوزینگان پیمان یاری بست و یکی از سرداران پادشاه به نام هنومان^۳ با جان و دل به خدمت رامه درآمد. هنومان با سپاه بوزینگان به جستجوی سی ته پرداخت و او را در کاخ پادشاه اهریمنان یافت. رامه به کمک بوزینگان پلی از سنگ روی دریا بنا نهاد و از خدای دریا کمک طلبید تا امواج را فرو نشاند و لشگر بوزینگان را به جزیره سیلان که مقر حکومت راونه بود راه دهد. کارزار خونینی درگرفت. رامه تیرهای مهلک خود را به سوی راونه پرتاب می کرد و سر از تنش جدا می ساخت، اما هر دم سرهای تازه می روید و اهریمن غول آسا عمری دوباره می یافت. رامه ناگزیر به سلاح معجز آسای خویش دست یازید. تیری بر چله کمان نهاد که با بال دایو،^۴ خدای باد، آراسته بود و خورشید بر نوک آن جای داشت و به

1. Lakṣmana

2. Ravana

3. Hanuman

4. Vayo

سنگینی کوه مرو بود. این تیر سینه راونه را شکافت و سلطان اهریمنان را بکشت. رامه ابتدا از ملاقات با همسرش خودداری کرد تا پاکی سی‌ته و بی‌گناهی او را بیازماید و بر همگان ثابت کند. سی‌ته که از بی‌اعتنایی رامه پریشان شده بود آتشی برافروخت و خویش را در شعله‌های فروزان آتش افکند. اما، در حالی که تماشاگران ناله و شیون برآورده بودند، آتش مانند ستونی بزرگ برآمد و سی‌ته را همچون خورشیدی تابناک بر تاج خود نگاه داشت. این داوری الهی پاکی سی‌ته را بر همه ثابت کرد (برگرفته از نقل ۶- ۲۴۳: ۸).

از جنبه سرگرمی و خیالپردازانه داستان که بگذریم، رامینه تا به این زمان در هند به مثابه منبعی اخلاقی نقش آفریده است و احساسات انسانی و فضیلت‌خواهانه را به شدت برمی‌انگیزد. هندوها از شنیدن داستان یا دیدن نمایش آن چنان برانگیخته می‌شوند که می‌گیرند. رامه، در این حماسه، مظهر انسان کامل و نماینده بزرگمنشی و مناعت طبع است. سی‌ته، مظهر پاکی و معرفت و عشق خدایی است. بُهارته، مظهر مردانگی و حق‌شناسی است، و لکشمنه و هنومان مظاهر وفاداری و خدمت‌عاشقانه‌اند. شخصیت‌های این اسطوره چنان در نزد هندوان محبوب افتاده‌اند که رامه را به عنوان اوتاره (تزل) ویشنو می‌ستایند و برای هنومان مجسمه‌های بسیار می‌سازند و او را تقدیس می‌کنند. حتی کشور هند را به نام برادر رامه بُهارته می‌خوانند. علاوه بر این‌ها، اندیشمندان هندو و غیر هندو سعی کرده‌اند تا تعبیر و تفسیرها و برداشت‌های فلسفی و عرفانی دقیقی از این حماسه ارائه دهند (بنگرید به: ۲۴۷: ۸).

مهم‌ترین اندیشه‌ها و نگرش‌های مطرح در رامینه از این قرار است: نظریه هندوی سه هدف زندگی، که بنابر آن هر هندو باید به دنبال این سه هدف باشد و از هیچ یک غفلت نکند: ۱. دُهرمه، یا کسب فضیلت و ثواب، ۲. اژنه، ثروت و رفاه مادی، و ۳. کامه،^۲ کامیابی از لذات و خوشی‌های زندگی. از این سه، دُهرمه اولویت دارد و دو دیگر با وجود آن مطلوب‌اند. خدایان در عصری که رامینه شکل می‌گرفت ویژگی‌های انسانی بیشتری به خود گرفته بودند. از این رو در رامینه خدایان جاودانگی مطلق ندارند. بلکه کمی بیشتر از انسان معمولی عمر می‌کنند و آدَمیان نیز با پرهیزکاری و پارسایی می‌توانند به مقام ایشان برسند. سه خدای برتر (دوه‌ها) در رامینه عبارت‌اند از: شیوه، ویشنو و

برهما، که هریک به ترتیب نماینده جنبه نابودگری، حفظ و نگهداری و آفرینندگی خدای متعال‌اند. در عین حال ذات مطلق غیر شخصی، آتمن یا پِرَم آتمن نیز مطرح است. آموزه مایا نیز برای توجیه ربط خدا با جهان مادی و پیدایش کثرات از ذات واحد الوهی به کار گرفته شده است.

در راماینه بر فضیلت‌هایی نظیر بلندهمتی، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، وفاداری و جوانمردی، خدمت عاشقانه و فداکارانه به محبوب، پاکدامنی و صداقت و... تأکید بسیار شده است. راماینه منبع الهامی برای آداب اخلاقی مانند دلسوزی نسبت به همه، پرداخت صدقه، عفو و گذشت، میهمان‌نوازی حتی در حق دشمن، احترام به پدر، مادر، آموزگار، برادرِ بزرگ‌تر، شوهر و ارباب، و محبت متقابل آنها به هم است. در راماینه همراهی زن با شوهر و شرکت او در طلبِ دُهرمه (فضیلت و ثواب) و احترام زن در خانواده با تأکید زیاد مطرح است. در این کتاب، پادشاه عادل و نیک‌منش به منزله خدایی در خور ستایش و فرمانبرداری تلقی می‌شود که در عین حال وظایف سنگینی بر دوش دارد که نباید از آن تخطی کند. راماینه احکام اجتماعی نیز در خود دارد؛ انسان می‌تواند برای حفظ جان خویش متجاوز را بکشد، در جنگ نباید به دشمنی که نمی‌جنگد یا پناه می‌خواهد، یا در حال گریز است تعدی کرد، و قتل پادشاه و زن و بچه یا پیرمرد و پیرزن گناه است.

در راماینه فلسفه‌ای عملی برای حل مسئله جبر و اختیار قابل تشخیص است. اعتقاد به تقدیر و این که سرنوشت تعیین‌کننده همه حوادث است، به نوعی با آموزه گَرَمه، اثر بر جای مانده از زندگانی‌های پیشین، در هم آمیخته است و به این ترتیب نقش انسان در رقم زدن به سرنوشت محفوظ می‌ماند (۱۵- ۱۲: ۲۱).

راماینه را نیز به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه کرده‌اند. نخستین ترجمه‌های فارسی راماینه در زمان اکبرشاه (متوفای ۱۶۱۴- ۱۶۰۵ م) از زبان سنسکریت انجام شد. اول‌بار عبدالقادر بدایونی به فرمان اکبر این کتاب را در مدت چهار سال به فارسی برگرداند. ترجمه دیگری نیز از راماینه هست که آن را نیز به بدایونی نسبت می‌دهند. در دوره جهانگیری (متوفای ۱۰۳۷ ه.ق. / ۱۶۲۸ م.) دو ترجمه دیگر از این اثر به عمل آمد: ترجمه منظوم «ملا سعدالله مسیح پانی‌پتی که نسخه‌های متعدد آن در اکثر کتابخانه‌های هند و خارج از هند موجود است. و ترجمه دیگر مربوط به «گردهرداس» است، که در

سال (۱۰۳۶ هـ ق / ۱۶۵۸ م.) راماینه را به نظم فارسی درآورده است. پس از این «چندمن بیدل» در ۱۱۰۴ هـ ق، راماینه را به نظم و نثر فارسی درآورد و نامش را «بزرگستان» نهاد. این ترجمه در ۱۸۷۵ م (۱۲۵۳ هـ ق.) در لکهنو به چاپ رسید. در سال ۱۲۶۸ هـ ق. «امانت رای لالپوری» منظومه راماینه را در قالب چهل هزار بیت به شعر فارسی نقل کرد. وی ترجمه خود را به شش باب تقسیم کرده و در پایان هر باب، غزلی از خود به آن افزوده است. ترجمه دیگر متعلق به «سر رام داس قابل» است که در ۱۲۸۱ هـ ق. چهار باب از راماینه را به شعر فارسی برگردانده است. وی باب اول را «مبارک»، باب دوم را «فراق» و باب سوم را «جنگ» و باب چهارم را «جلوس» نام نهاده است. شخص دیگری به نام «منشی چکن» (متوفای ۱۸۹۹ م.) متخلص به «حسن» در سن بیست و یک سالگی کتابی به نام «نیرنگِ حسن» معروف به «بهار اجودهی» سروده و قسمتی از آن را به خلاصه کتاب راماینه اختصاص داده است. ترجمه‌های کامل و ناقص دیگری نیز از راماینه در کتابخانه‌های هند یافت می‌شود. اما دو ترجمه کاملی که از زبان سنسکریت راماینه را به فارسی برگردانده‌اند، یکی همان ترجمه منسوب به ملاعبدالقادر بدایونی است که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، و دیگری از آن امیرسنگه (امیرسینگ) با تصحیح امرکاش است که در لکهنو به چاپ رسیده است. این ترجمه به سال ۱۳۵۰ هـ ش. به کوشش عبدالودود اظهر دهلوی در تهران چاپ شد (۱۱ - ۱۰: ۲۱، داده‌های اخیر تماماً برگرفته از این منبع است).

ب) پورانه‌ها

دومین دسته از متون شمرتی پورانه‌ها هستند. پورانه به معنای «داستان باستان» و «دانش قدیم» است. به این معنای دوم لفظ «پورانه» را در آنهروهوده، بُراهمنه‌ها و برخی دیگر از متون شروتی به کار برده‌اند. اما ترکیب و محتوای پورانه‌های کنونی با معنای نخست سازگارتر است (۸۶: ۱۲ ج: ۷). این که پورانه‌ها دسته مستقلی از متون شمرتی را تشکیل می‌دهد یا در زمره ایتی‌هاسه‌ها و متون حماسی محسوب می‌گردد محل مناقشه بوده است (۴۹۵: ۱ ج: ۲۴، در این کتاب شواهدی بر حماسی بودن پورانه‌ها ارائه می‌کند).

باری، پورانه‌ها مجموعه‌ای از آثار دایرة‌المعارف گونه، یا بهتر بگویم، کشکول‌مانندی است که در خود شمار زیادی افسانه و داستان و اسطوره و نیز مباحثی درباره آداب و

رسوم دینی و حتی موضوعات غیر دینی مانند نجوم، طب و مهندسی دارد. این مجموعه از حجیم‌ترین متون دینی جهان در شمار است، به طوری که ترجمه انگلیسی فقط پورانه‌های بزرگ (مهاپورانه‌ها)، که هنوز تکمیل نشده است، گویا به یکصد و ده جلد بالغ می‌شود (۲۲).

برخی پورانه‌ها نزد پیروان مذاهب سه‌گانه هندو همپایه وده‌ها و به عنوان یک متن شروتی (و حیانی) تلقی می‌شود. اما خود پورانه‌ها اعتبار خویش را حتی برتر از وده‌ها می‌شمارد (۱۴۳: ۴). از این مدعیات که بگذریم، نقش پورانه‌ها در بالندگی مذاهب متأخر هندو بسیار مهم بوده است. شمار زیادی از ابعاد و آموزه‌های آیین هندوی جدید، مانند آموزه‌آوتاره‌های ویشنو، پرستش خدایانوان، عبادت در برابر تماثیل و تصاویر و ... در پورانه‌ها تبیین و تفصیل یافته است. و نیز منبع عمده دین هندوی عرفی و مردمی پورانه‌هاست. به تعبیری یکی از محققان در زمینه ادبیات هندوی، پورانه‌ها همان نقشی را در قبال آیین هندوی متأخر (که هندوئیسم می‌خوانندش) ایفا می‌کند که وده‌ها در قبال آیین هندوی باستانی (برهمنیزم) (سی: مقدمه: اج: ۲۴). پورانه‌ها از این حیث نیز مهم‌اند که به مثابه ابزاری برای آموزش دینی همگانی به کار می‌رفته‌اند، و از این جهت کارکردهای دینی، فرهنگی و مردمی آشکاری داشته‌اند. گذشته از این، پورانه‌ها منبع مهمی برای آگاهی از تاریخ هند باستان‌اند (همان). جایگاه دینی این آثار آنگاه آشکارتر می‌شود که بدانیم پورانه‌ها را در مراکز و اماکن زیارتی به قصد ثواب، با صوت بلند تلاوت می‌کنند و به نیت تبرک آنها را در خانه نگاه می‌دارند. فضیلت و آثار و برکات قرائت و نگهداری پورانه‌ها در خانه‌ها را در آثاری به نام ماهاتمیه‌ها^۱ که معمولاً به ضمیمه هر پورانه چاپ می‌کنند، شرح داده‌اند (۹۷: ۱۱).

سنت هندو پورانه‌ها را به ویاسه^۲ از فرزندگان باستان، همان کسی که گفته می‌شود وده‌ها را دسته‌بندی کرده و مهابهارته را تألیف کرده است، نسبت می‌دهد (۵۰۴: ۲۴). اما برخی تحقیقات گواه بر آن است که پورانه‌هایی که اکنون در دست ماست محصول کار اشخاص متعدد در طول چندین قرن است. از مقایسه متون بودایی مهاییانه مربوط به نخستین قرن‌های میلادی با برخی پورانه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تألیف قدیمی‌ترین پورانه‌ها به شکل امروزی در این دوره صورت گرفته است (۵۰۳-۵۰۲: اج: ۲۴). بنابر همین تحقیقات مجموعه پورانه‌های امروزی بایستی در فاصله قرن‌های اول تا نهم

میلادی تألیف شده باشد. اما اصل پورانه‌ها احتمالاً بسی پیش‌تر از تألیف مهابهارتیه وجود داشته است. این حقیقت با بررسی ارتباط میان مهابهارتیه با پورانه‌ها آشکار می‌شود؛ مهابهارتیه در پاره‌ای جهات، از جمله در نحوه آغازش از پورانه‌ها تبعیت می‌کند، و حتی خود را یک پورانه می‌نامد (۴۹۷: ۱ ج: ۲۴). پورانه‌ها دارای ساختاری سه جزئی‌اند. سنت هندو مجموعه پورانه‌های بزرگ (مهاپورانه‌ها) را در سه دسته شش تایی تقسیم می‌کند: ۱ - وِیْشْنَوَه پورانه‌ها،^۱ ۲ - شِیْوَه پورانه‌ها^۲ - بُرْهُمّا پورانه‌ها.^۳ اما این همه پورانه‌ها نیست. هیچ‌ده پورانه فرعی (اوپه پورانه)^۴ نیز هست که برخی از آنها از سوی مذاهب مختلف هندویی و حیانی تلقی می‌شوند. علاوه بر اینها، تعداد زیادی اثر با عنوان ستهاله پورانه^۵ وجود دارد که درباره مکان‌های مقدس و اساطیر و حوادث معجزه‌آسایی، که گفته می‌شود در آن مکان‌ها رخ داده است، سخن می‌گویند (۱۳: ۲۳).

ساختار سه قسمتی پورانه‌های بزرگ با فرضیه گونه‌ها^۶ نیز به نوعی پیوند دارد. از آن‌جا که سه خدای اصلی آیین هندویی دوران میانه یعنی ویشنو، برهما و شیوه، به ترتیب نماینده سه کیفیت (گونه) روشنی، گسترش و تاریکی تلقی می‌شوند، وِیْشْنَوَه پورانه‌ها را ساثویکه،^۷ مربوط به حالت سْتَوَه، یا روشنایی و حرکت، و برهما پورانه‌ها را راجه سپکه،^۸ مربوط به حالت رَجَس، یا گسترش، و شِیْوَه پورانه‌ها را تامه سپکه،^۹ مربوط به حالت تَمَس، یا تاریکی و خمودی، می‌نامند. انتساب هر دسته از سه گروه مهاپورانه به یکی از سه خدا این تصور را برمی‌انگیزد که هر دسته مربوط به یکی از مذاهب سه‌گانه هندو است. اما در واقع این نامگذاری تا حدودی تصنعی است و هیچ‌یک از این سه بخش به تمام معنا به یکی از سه خدا اختصاص ندارد. البته این هست که هر یک عمدتاً به تکریم و ستودن یکی از آنها می‌پردازد (۷۸: ۱۲: ۷).

بنابراین، مهاپورانه‌ها عبارت‌اند از:

الف) وِیْشْنَوَه (ساثویکه) پورانه‌ها؛ شامل:

۱. ویشنو پورانه^{۱۰}

1. Vaiṣṇava Purāṇas
3. Brahmā Purāṇas
5. Sthāla Purāṇa
7. sāttvika
9. tāmasika

2. Saiva Purāṇas
4. Upa Purāṇa
6. Guṇa
8. rājasika
10. Viṣṇu Purāṇa

۲. نارَدَه پورانه^۱

۳. بهاگَوَتَه پورانه

۴. گروَدَه پورانه^۲

۵. پَدْمَه پورانه^۳

۶. وَرَاهَه پورانه^۴

(ب) شِیوَه (نامه) پورانه‌ها؛ شامل:

۱. مَتْسِیَه پورانه^۵

۲. کویْرَمَه پورانه^۶

۳. لِنِگَه پورانه^۷

۴. شِیوَه پورانه^۸

۵. سَکَنَدَه پورانه^۹

۶. اَگْنِی پورانه^{۱۰}

(ج) براهمه (راجسه) پورانه‌ها؛ شامل:

۱. بُراهمَه پورانه^{۱۱}

۲. بُرَهْمَانْدَه پورانه^{۱۲}

۳. بُرَهْمَه وَیَوْرْتَه پورانه^{۱۳}

۴. مازَکَنْدِیَه پورانه^{۱۴}

۵. بَهْوِشِیَه پورانه^{۱۵}

۶. وَاْمَنَه پورانه^{۱۶}

تعداد اوپه پورانه‌ها یا پورانه‌های فرعی بسیار است. اما بنابه این‌که از کدام یک از پیروان سه مذهب هندو بررسی، فهرست آنها فرق می‌کند، زیرا هر مذهب پورانه مربوط به

1. Nārada Purāṇa

3. Padma Purāṇa

5. Matsya Purāṇa

7. Liṅga Purāṇa

9. Skanda Purāṇa

11. Brāhma Purāṇa

13. Brahmavaiivarta Purāṇa

15. Bhaviṣya Purāṇa

2. Garuḍa Purāṇa

4. Vṛāha Purāṇa

6. Kūrma Purāṇa

8. Siva Purāṇa

10. Agni Purāṇa

12. Brahmāṇḍa Purāṇa

14. Mārkaṇḍeya Purāṇa

16. Vāmana Purāṇa

خدای خویش را یک پورانه اصلی و بلکه جزء متون شروتی (و حیانی) و هم‌ردیف وده‌ها می‌شمارد؛ بنابراین آن را از فهرست پورانه‌های فرعی خارج می‌کند. برای مثال، شاکته‌ها،^۱ یعنی پیروان مذهب شکتی، بهاگوت‌ه پورانه را یک پورانه بزرگ (مهاپورانه) می‌دانند، در حالی که دیگران آن را یک پورانه فرعی (اوپه پورانه) می‌شمارند (۱۳: ۲۳).

در باره محتوای پورانه‌ها هرگز نمی‌توان در چنین مجال مختصری ادای مطلب کرد، اما به طور اجمال، چنان که خود سنت هندو توضیح می‌دهد، پورانه‌ها به پنج موضوع (پنجه لکشنه^۲) می‌پردازد: ۱- خلقت عالم (سرگه^۳)، ۲- فروپاشی و بازآفرینی عالم (پرتی سرگه^۴)، ۳- تبارشناسی خدایان و رشی‌ها (دامشه^۵)، ۴- دوران‌های مونها (نخستین انسان‌ها و پدران بشریت، منوتتره‌ها)^۶، ۵- تاریخ سلسله پادشاهی‌های خورشیدی و قمری (ومشانوچرپته)^۷ اگرچه پنج موضوع ذکر شده برای پورانه‌ها در پورانه‌های امروزی یافت می‌شود اما موضوع پورانه‌ها به همین پنج تا محدود نیست. گویا این پنج موضوع در نسخه‌های اولیه پورانه برجسته‌تر بوده است. پورانه‌های کنونی به موضوعات زیادی می‌پردازد: ستاره‌شناسی، جغرافیا، گاه‌شماری حوادث، طب و بهداشت، و حتی اسلحه‌شناسی. بیشتر داده‌ها در شکل گفتگویی ارائه می‌شود که معمولاً میان فرزانه‌ای الهی و شاگردش صورت گرفته است. پورانه‌ها در خود مبانی مذاهب هندو را نیز تبیین می‌کنند. برای مثال، مبحث آوتازه‌های ویشنو، لینگه شیوه، و پرستش خدایان، که به ترتیب از مهم‌ترین موضوعات و مبانی مذاهب ویشنو، شیوه و شکتی است، در پورانه‌ها بسط داده شده است.

از پورانه‌ها ترجمه به فارسی سراغ نداریم. به زبان انگلیسی، چنان که یاد شد، ترجمه‌ای از مهاپورانه‌ها در دست است که هنوز به اتمام نرسیده اما همین مقدار تاکنون بالغ بر ۱۱۰ مجلد گشته است. (۲۵)

ج) قانون‌نامه‌ها

سومین دسته از متون سمرتی را «قانون‌نامه‌ها» تشکیل می‌دهد. این متون دو دسته‌اند: یک

1. Sāktas

2. Pañca Lakṣaṇa

3. Sarga

4. Pratisarga

5. Vāiṅśa

6. Manvantaras

7. Vamśānucarita

دسته آنهایی که عنوان سُمرتی را یدک می‌کشند، و دسته دیگر بدون این عنوان. بنابراین، عنوان سُمرتی در مورد دسته نخست به معنای اخص کلمه به کار می‌رود.^۱ اصطلاح دیگری که بی ارتباط با این دسته متون نیست شاستره‌ها^۲ به معنای «دستور» و «قاعده» است. شاستره‌ها رساله‌هایی در موضوعات مختلف از جمله در آداب و احکام‌اند. یک دسته از شاستره‌ها دهرمه شاستره‌ها^۳ یا «دستورنامه‌های دینی» هستند که شامل برخی از همین قانون‌نامه‌های سُمرتی نیز می‌شوند. (۳: ۸۶۰) چنان که پیداست، این جا عرصهٔ اطلاق مفاهیم و عناوین مختلف بر متونی است که هر یک به ملاحظه‌ای تحت چندین عنوان جای می‌گیرد.

باری، مهم‌ترین سمرتی‌ها (قانون‌نامه‌ها) عبارت‌اند از مَوسُمرتی یا همان قانون مَنو، یَجَنَهْ وَالکِیهْ سُمرتی^۴ و ناره سُمرتی.^۵ از این میان مَنو سُمرتی شهرت بیشتری دارد. مَنو سُمرتی: این اثر مهم و مؤثر در سنت هندویی را به مانوه دهرمه شاستره،^۶ یعنی قوانین مَنو نیز می‌شناسند. مَنو سُمرتی در بردارندهٔ قواعد و احکام عملی سنتی هندویی است. تاریخ تدوین آن به احتمال به قرن‌های اول یا دوم پیش از میلاد می‌رسد. در این کتاب همهٔ دهرمه هندویی را به صورت احکام شایست و ناشایست، ثواب و عقاب، اگر چنین کنی فلان خاصیت را دارد و اگر چنان کنی بهمان را، و گاه به این صورت که «عالمان گفته‌اند» و غیر اینها در خود جمع کرده است. مطالب آن شامل آداب و رسوم، قواعد اجرای مراسم عبادی، اصول اخلاقی می‌شود و همهٔ دوره‌های زندگی هندو آشرمه‌ها،^۷ از دورهٔ طلب علم تا دورهٔ خانه‌مندی، عزلت و دورهٔ ترک دنیا را شامل می‌شود و برای هر یک دستور العمل‌ها و قواعد خاص خود را شرح می‌دهد. همه این قواعد در ضمن یک طرح کیهانشناختی ویژه‌ای بیان می‌شود. مَنو در این کتاب همانا اولین انسان و نیای بشریت است که در چارچوب برنامهٔ برهنم وحی دریافت می‌کند. او در عین حال، همان کسی است که سُمرتی، یعنی «سنت به یاد آمده» را ترویج و ابلاغ می‌کند (۱۱۶-۱۱۷: ۱۰) مَنو سُمرتی به دوازده باب تقسیم می‌شود. به جز باب اول که در بارهٔ آفرینش جهان

۱. به این ترتیب اصطلاح سُمرتی نیز در سنت هندو به دو اصطلاح عام و خاص به کار رفته است. به معنای عام برای همهٔ متون اصلی غیر وده‌ای (۲۸۲: ۱)، و به اصطلاح خاص برای تعدادی از قانون‌نامه‌ها (۱۷۴: ۴).

2. Śāstras

3. Dharma Śāstras

4. Yajñalkya-Smṛti

5. Nārada-Smṛti

6. Mānva dharma Śāstra

7. āśramas

است، و باب دوازدهم که در موضوع تناسخ و رستگاری اخروی سخن می‌گوید، سایر باب‌ها به قوانین و احکام و آداب می‌پردازد، موضوعات آن شامل موارد زیر است: احکام و آداب مربوط به دوره کسب علم (اولین مرحله از مراحل چهارگانه زندگی هندو)، غسل، دوره خانه‌مندی و کار و ازدواج (دومین دوره) عبادات و آداب یومیه، میهمانی، احکام پیش‌کش‌گزاری، اطعمه و اشربه (خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها)، احکام و آداب مربوط به کار و کسب، طهارت و نجاسات، آداب دوره زهد، خصال پادشاهی و وظایف او، احکام حقوقی و جزایی، شهادت بیّنه، احکام لقیطه (مال پیدا شده)، احکام کیل و توزین، احکام دین و رهن، احکام تعهد و کفالت، احکام امانت، عهد و نقض عهد، دعاوی، حدود، احکام اهانت، تحقیر، قتل و جرح، احکام سرقت، احکام زنا و فحشا، وظایف همسری، حقوق و وظایف نسبت به فرزندان، ازدواج و طلاق، ارث، احکام نوشیدن مست‌کننده‌ها، قصاص و رشوه، نظام اداری، منزلت برهمنان، وظایف اهل هر طبقه از طبقات چهارگانه، احکام مربوط به چند طبقه‌ای (کسانی که از اختلاط و امتزاج دو طبقه متولد شده‌اند)، کفاره گناه و علامت گناهکاری.

در متوسمرتی چند نکته بسیار مورد اهتمام است؛ یکی جایگاه ویژه برهمنان است، که گاه رنگ و بویی تند و افراطی می‌گیرد. دیگری اهمیت دادن به نظام طبقه‌ای و آداب آنانست. و سوم استفاده از شیوه‌های تشویق و تخریر، شبیه به وعد و وعیدهای بسیار بزرگ برای اعمال به ظاهر کوچک، است که در سراسر این کتاب دیده می‌شود. از متوسمرتی به فارسی ترجمه‌ای سراغ نداریم. اما به عربی و انگلیسی ترجمه شده است.

۳. سوتره‌ها^۱

سومین دسته از متون هندو، پس از شروتی‌ها و سمرتی‌ها، سوتره‌ها هستند. گویا آنگاه که به خاطر سپاری محتویات متون اولیه هندویی که مجلدات آن روز به روز افزایش پیدا کرده بود، دشوار و بلکه ناممکن گشت، فرهیختگان سنت هندو دست به تألیف مجموعه‌هایی به نام سوتره زدند که در خود جوهره هر یک از نظام‌ها و مکتب‌ها را به نحوی که بتوان به خاطر سپرد، به صورت مختصر و مفید گردآورده بود. در طی دوره‌ای معین، هر کدام از مواد و موضوعات آموزشی سنت هندو دارای سوتره مخصوص خود شد. این موارد

عبارت‌اند از: شُرُوتَه سوتره‌ها،^۱ شامل خلاصه قواعد مربوط به مراسم قربانی عمومی، گرهبه سوتره،^۲ شامل خلاصه‌ای از مراسم و آداب رسوم خانگی، کَلْپَه سوتره^۳ شامل دیگر مراسم و شعایر، دَهْرَمَه سوتره^۴ کتابچه‌های قانون دینی و غیر دینی، شولوه سوتره،^۵ در بردارنده مهندسی و قواعد ساخت محراب آتش و مانند آن.

۴. ودانگه‌ها:^۶

چهارمین دسته از متون هندی ودانگه‌ها هستند. فلسفه پیدایی ودانگه‌ها نیز از جهتی شبیه به سوتره‌هاست. وقتی فهم وده‌ها به سبب زبان باستانی که به آن نوشته شده بودند و فاصله زمانی زیاد میان مؤلفان آن و نسل‌های بعدی، مشکل شده بود، ودانگه‌ها پدید آمد. این متون علوم و فنون کمک آموزشی مربوط به مطالعه و استفاده از وده‌ها را آموزش می‌داد. به همین سبب ودانگه‌ها شامل موضوعات زیر می‌شود:

فنون آوانویسی (شیکش^۷)، فنون وزن و تافیه (چهنَدَس^۸)، دستور زبان (ویاکَرَنَه^۹)، ریشه‌شناسی لغات (نیروکتَه^{۱۰})، نجوم (جیوتیسه^{۱۱})، و مراسم (کَلْپَه^{۱۲})

۵. اوپَه وده‌ها^{۱۳}

از آنجا که برهمنان برای انجام وظایف دینی خود علاوه بر موضوعات دینی محتاج علوم فرعی دیگری نیز بودند، متونی با عنوان وده‌های فرعی (اوپه وده‌ها) شکل گرفت. این علوم به مستقیم به دانش وده‌ها مربوط نمی‌شود، اما در کل در خدمت این سنت بود. موضوعات سنتی این متون عبارت است از: طب، موسیقی و رقص، کمانکشی و معماری، که به ترتیب متون زیر را شکل داده است: آیور وده،^{۱۴} گندهروه وده،^{۱۵} دهنور وده،^{۱۶} و ستهاپتیته وده.^{۱۷}

- | | |
|--------------------|------------------|
| 1. Śrauta Sūtras | 2. Grhya Sūtras |
| 3. Kalpa Sūtra | 4. Dharma Sūtras |
| 5. Śulva Sūtras | 6. Vedānas |
| 7. Śikṣā | 8. Chandas |
| 9. Vyākaraṇa | 10. Nirukta |
| 11. Jyotisa | 12. Kṛpa |
| 13. Upavedas | 14. Āyur Veda |
| 15. Gandharva Veda | 16. Dhanur Veda |
| 17. Sthapatya Veda | |

۶. متون فرقه‌ای

علاوه بر حجم زیاد متونی که در بالا ذکر شد و تشکیل دهنده میراث همگانی آیین هندو بود، متون فرقه‌ای متعددی نیز وجود دارد که هر یک تبیین‌کننده دیدگاه‌ها و باورهای مذهبی (سَمَپَر دایه^۱) خاصی است. از این رو، هر یک از سه مذهب عمده هندوییه علاوه بر متون دینی عمومی پیش گفته، به حجیت و قداست متون اختصاصی خود نیز باور دارند. مذهب ویشنوه متن‌هایی به نام سَمهیتاهای ویشنوی^۲ را مقدس می‌شمارند. علاوه بر این بخش‌هایی از پورانه‌ها، یعنی ویشنوپورانه‌ها و بهاگوته پورانه‌ها مورد اهتمام ویژه ویشنوییه‌هاست. شیویت‌ها، یا پیروان مذهب شیوه، آگمه‌های شیوه‌ای (شیواگمه‌ها^۳) را حرمتی برابر وده‌ها می‌نهند و شاکنه‌ها، یعنی پیروان مذهب شکتی و پرستندگان او، شاکنه تَنتره‌ها را مقدس می‌دانند. این متون که نزد پیروان مذاهب هندوییه شروتی یعنی وحیانی تلقی می‌شود دربردارنده دیدگاه‌های فلسفی و الاهیاتی خاص هر یک از فرقه‌ها در موضوع هویت و ماهیت خدا، جهان، موجودات زنده، و نیز در بیشتر موارد شامل مطالبی درباره آداب و رسوم و قواعد زندگی پیروان هر مذهب است. برخی نیز کتابچه‌هایی است که به منظور توضیح آداب پرستش در معبد‌های بزرگ نوشته‌اند. برای مثال پُرمشوره سَمهیتا^۴ به آداب پرستش در معبد ویشنو در شری رَنگم^۵ اختصاص دارد، و سَمشم بهو پَدَهتی^۶ جزئیات مراسم روزانه در معبد شیوه در جنوب هند را تبیین می‌کند (۱۴: ۲۳، ۷)

۷. متون دینی غیر سنسکریت

در جنوب هند، برخلاف شمال که سنسکریت را تنها زبان دینی واجد قداست می‌داشتند، زبان تأمیل را قدیمی‌تر از سنسکریت می‌شمردند. حتی برخی نوشته‌های تأمیلی را همپایه متون سنسکریت شروتی معرفی می‌کردند (همان). در قرون میانه در تأمیل نادو، آچاریه‌ها یا رهبران دینی شری رَنگم، سروده‌های آوارهای ویشنوییه را در کنار

1. Samparadāya

۲. Visnu Samhitās نام به ذکر نیست که اینها غیر از سمهیتاهای وده‌ای‌اند.

3. Sivā gamas

4. Prameśvara Samhitā

5. Śrīrangam

6. Samaśmthupadhatī

۷ در مطالب این بخش بیشتر به این منبع، که دربردارنده تحقیقات کلاستر ماپر است، اتکا کرده‌ایم. اما به نظر می‌رسد جای مطالب و اطلاعات بیشتری درباره سمهیتا، آگمه‌ها و تنتره‌ها خالی است.

سروده‌های سنسکریت تلاوت می‌کردند، اینها سروده‌های دوازده زاهد شاعری بود که در قرن‌های ششم تا نهم میلادی در جنوب هند می‌زیستند^۱ این سروده‌ها در مجموعه‌ای به نام نَکِیَره دیویوه پُرنَندهم^۲ یعنی کتاب چهارهزار بیتی، جمع آوری شده است. این مجموعه ۲۳ اثر جداگانه است که در چهار بخش مرتب کرده‌اند. از میان آنها تیرووئُملی^۳ از نامآلوار^۴ مفصل‌ترین است. پُرنَندهم را هنوز در جنوب هند در عبادت معبدی به کار می‌برند. اندیشه‌های آلوارها در این اثر پایه و اساس تحولات مذهب ویشنوی شد. آثار تامیلی نزدیکی از شاخه‌های مذهب ویشنو، وَدَه گَلیس،^۵ به پایه‌ای اهمیت یافته است که حتی آنها را برتر از آثار سنسکریت جای داده‌اند.

رشد نهضت بهکتی، که نوعی دیانت مردمی و مبتنی بر دلدادگی و شور مذهبی بود، رسوم و سنت‌های برهمنی را به حاشیه راند، و از این رهگذر برخی نوشته‌های بومی - زبان به عرصه مراسم عبادی راه یافت. از جمله، نمونه بازآفرینی شده‌ای از حماسه رامایانه بود به نام رام چریت مَنسه^۶ اثر تولسی داس (۱۶۳۷-۱۵۱۱ م) که به زبان هندی نوشته است. این اثر تا حدودی توانسته است حماسه رامایانه و الیکی را تحت الشعاع قرار دهد. و نیز اشعار خوانندگان زاهد پیشه ادبیات ویژه و تازه‌ای را آفرید که در بهجَنه‌ها (مراسم عبادی که با آواز و موسیقی انجام می‌شود) بیشتر از دیگر آثار مورد توجه قرار می‌گرفت (۱۵: ۸۰). از این دست، کتاب کبیر^۷ شاعر و عارف مشهور هندی (در گذشته در ۱۵۱۸) شایان ذکر است. بی‌چک^۸ نام اثری از اوست که بخشی از اشعار وی را در خود دارد. این اشعار حتی نزد سیک‌ها و مسلمانان همچون وسیله‌ای برای ابراز عواطف مذهبی و نگرش‌های معنوی مورد توجه قرار گرفته است. (۳: ۵۲۰)

۱. آلوار یعنی کسی که به درون خدا جسته است. آلوارها خود را پرستندگان مال (Māl) می‌دانستند که همان صورت تأملی کُشته و ویشو ناراینه (Viṣṇu Nārāyana) است.

2. Nalayira Divya Prabandham

3. Tiruvaymoli

۴. Nāmmālvār. احتمالاً قرن نهم میلادی، مهم‌ترین شخص از آلوارها و صاحب چند اثر مهم است. او را به نام سُئَهکَیَه (Sathakopa) نیز می‌شناسند. تندیس او را در معابد زیادی نصب کرده‌اند و اشعار وی را در معدهای ویشنوی برای مراسم عبادی به کار می‌برند. به جز کتاب تیرووئُملی، سه اثر دیگر نامآلوار عبارت‌اند از: تیروویروتم (Tiruviruttam)، تیرووسَرتیم (Tiruvasariyam) و پَریه تیرووَنَدَدی (Periya tiruvandadi)، تیرووسَرتیم (Tiruvasariyam) و پَریه تیرووَنَدَدی (Periya Tiruvandadi) (۴: ۱۲۴، ۱۲۵)

5. Vadagalais

۶. Rāmcāritmanasa. با رامه چَریته مَنسه.

7. Kabir

8. Bījak

علاوه بر اینها، آثاری از رهبران معنوی و شاعران معاصر نیز به حلقه متون دینی هندو راه یافت. پیروان برخی گوروها کلمات ایشان را چنان ارزشمند می‌یافتند که آنها را با امانت حفظ می‌کردند و ورد زبان قرار می‌دادند. گفته‌های ثبت شده از رامه کرشنه پُرمهَمَسَه،^۱ عارف نامی و پر شور بنگالی قرن نوزدهم (۸۶-۱۸۳۴م)، رَمَنَه مَهَارُشی^۲ عارف مشهور (۱۹۵۰-۱۸۷۹) و خانم آنندَمی^۳ ما، گورو و زاهده نام آور بنگالی (۱۹۸۳-۱۸۹۶ م) همگی مانند متن مقدسی به وسیله هواداران‌شان در همایش‌های دینی تلاوت می‌شود. (۱۶ و ۱۵: ۲۳) آنچه ذکر شد تمام آثار دینی هندویی نبود و چنان که یداست رویه آفرینش و افزونی متون دینی در آیین هندو نیز به این جا پایان نمی‌گیرد.

1. Rāmakṛṣṇa Pramahansa

2. Ramana Maḥarṣi

3. Ānandamayī Mā

کتابنامه

۱. البرونی، محمد بن احمد ابوریحان، تحقیق مالهند من مقوله مقبولة فی العقل او مردوله، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۶/۱۴۱۸ ه. ش.
۲. جلالی نایینی، سید محمدرضا، مهابهارات، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۵۸.
۳. شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند (۲ جلد)، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۴. وال میکی، تلسی داس، رامایانا، ترجمه امرسنکبه، امر پرکاش، انتشارات الست فردا، تهران، ۱۳۷۹.
5. A Board of Scholars, *Ancient Indian Tradition & Mythology* Ed, Dr. G.P. Bhatt, Delhi, Motilal Banarsidass.
6. Agarwal, Satya P., *Selections From the Mahābhārata*, Urmila Agarwal, New Delhi, 2002.
7. Arga, Dr Ravi Prakash, *Yajurveda Samhitā*, Parimal Publications, Delhi, 1999.
8. Bowker John, *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press, 1997.
9. Buitenen, A.B Van, *The Mahābhārata*, The University of Chicago Press, 1980.
10. Chand, Devi, *The Atharvaveda*, Munshiram Manoharlal P., Delhi, 1990.
11. Criffith Ralph T.H. , *Hymns of the Rgveda 2. V.*, Munshiram Manoharlal P. , Delhi, 1999.
12. Eliade Mircea, *The Encyclopedia of Religion*, Macmilan P.C. , New York, 1987.
13. Fischer Ingrid & ... *the Encycloped a of Estern Philosophy and Religion*, Shambhala, Boston, 1994.
14. Flood, Gavin, *An Introduction to Hinduism*, Cambridge U. P., 1996.
15. Hastings, James: *Encyclopedia of Religion and Ethics*, Charles Scribner's Sons, New York.
16. Joshi, K. L., *Rg-Veda Samhitā*, Rarimal Publications, Delhi, 1997.
17. Klostermaier Klaus K., *A Concise Encyclopedia of Hinduism*, Oneworld, Oxford, 1995.
18. Klostermaier, Klaus K, *A Survey of Hinduism*, 2th E, State University of New York Press, 1994.

19. Klostermaier, Klausk., *Hinduism: A Short History*, Oneworld Oxford, 2000.
20. Olivelle, Patrick, *The Early Upaniṣads*, Oxfor U. P., U.S., 1998.
21. Renou, Louis, *Hinduism*, George Braziller, New York, 1962.
22. Shastri, Puro. J.I, *Ancient Indian Tradition & Mytholog* Motilal Banarsidass Publishers, Delhi, 1998.
23. Stutley Margaret and James, *A Dictionary of Hinduism* Routledge & kegan Paul, London, 1985.
24. Van Voorst, Robert E., *Anthology of Asian Scriptures*, Wadsworth, 2001.
25. Winternitz, Maurice, *A History of Indian Litature*, Motilal Banarsidass Publishers, Delhi < 1996.